

یک مسئول دانشگاهی:

برخی اساتید دانشگاه برای فرصت مطالعاتی می روند و باز نمی گردند



رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران مطرح کرد: مهاجرت در دانشگاه‌ها هم به صورت پنهان و هم غیر پنهان وجود دارد. برخی اساتید برای فرصت‌های مطالعاتی می‌روند و باز نمی‌گردند. به گزارش خبر فوری، علیرضا استقامی با تأیید مهاجرت در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، گفت: آمار دقیقی از آمار اساتید مهاجرت کرده ندارم، اما تعداد اساتید به مراتب از دانشجویانی که مهاجرت می‌کنند کم‌تر است. من روزانه نامه‌های متعددی برای دانش‌آموختگان دانشکده در این موضوع امضای کنم. در این زمینه نیاز است که انگیزه‌های دانشجویان و اساتید را افزایش دهیم.

□□□

زخم ساخت وسازهای غیراصولی به قلب زارچ رسید!



ساخت و سازهای غیر اصولی آسمان‌بافت‌های تاریخی ایران را بریده است. زارچ یکی از شهرستان‌های قدیمی و با اصالت یزد است که در تمام این سال‌ها ماهیت تاریخی خود را حفظ کرده بود. اما به تازگی خبر رسید به که این بافت تاریخی نیز از هجوم ساخت و سازهای غیراصولی در امان نمانده است. یک خانه تاریخی در بافت تاریخی زارچ تخریب شد تا جایش را به ساختمانی بی‌هویت و ناهمگون با معماری سنتی این شهر تاریخی بدهد.

یکی از فعالان و کارشناسان میراث‌فرهنگی زارچ در این خصوص به این‌ما می‌گوید: یک خانه تاریخی در بافت تاریخی زارچ در حالی تخریب شد که اوایل سال ۱۴۰۳ مالک به قصد مرمت بنا اقدام به بهسازی و عملیات ساختمانی کرد اما در حین مرمت اعلام کرد که بنا دچار مشکلاتی شده و با این بهانه این خانه تاریخی را به‌طور کامل تخریب می‌کند. او گفت: اداره میراث‌فرهنگی زارچ اما با این اقدام مالک مخالفت می‌کند و مالک نیز با توجه به نامه و اخطار میراث‌مر مهر ماه ۱۴۰۳ به اداره کل میراث‌فرهنگی استان یزد مراجعه می‌کند و در این راستا مجوز طرحی برای بازسازی بنا از کمیته فنی میراث‌فرهنگی گرفته می‌شود. اما بعد از گرفتن مجوز اختلافاتی بابت عقب‌نشینی بنا با شهرداری زارچ وجود می‌آید و با این بهانه پروژه توسط شهرداری متوقف می‌شود و عملاً مانع از اجرای کار و طرح میراث‌فرهنگی می‌شود.

این فعال میراث‌فرهنگی معتقد است، در این خصوص مکاتباتی بین میراث فرهنگی و شهرداری انجام می‌شود؛ مبنی بر اینکه ملک و پلاک مورد نظر فاقد عقب‌نشینی است. اما شهرداری همچنان اصرار بر عقب‌نشینی دارد و مانع از ساخت و ساز سنتی می‌شود.

پس از گذشت بیش از یک سال مالک به‌دنبال اریزی با شهرداری زارچ و رضایت به عقب‌نشینی بر خلاف مجوز میراث‌فرهنگی که در آن قید شده بود هیچ‌گونه تغییری در طرح و سازه و محاز نیست، در حال ساخت و ساز آن هم بدون الگوی پرو خالی و با سازه بتنی در بافت تاریخی زارچ است.

□□□

بهروز آذر:

هنرمندان زن خارج از کشور می توانند به کشور برگردند



و آنان می‌توانند به کشورشان بازگردند. زهرا بهروز آذر، در خصوص اقدامات معاونت زنان گفت: برای ایرانیان خارج از کشور-نگاه‌ما این است که ایران وطن همه این عزیزان است و ایران به ظرفیت همه ایرانیان خارج از کشور نیاز دارد. ممکن است در مقاطعی اختلال ارتباطی بین ما و ایرانیان خارج از کشور اتفاق افتاده باشد. نمی‌خواهم به ریشه‌ها و مصادیق آن بپردازم ولی این راه‌آهن باز است.

وی ادامه داد: وزارت امور خارجه با دستور آقای رئیس‌جمهور کار گروهی تشکیل داده است و سامانه‌ای ایجاد می‌کند برای اینکه این امر را تسهیل کند. به زودی ابلاغ این امر انجام می‌شود. افراد می‌توانند به آن مراجعه کنند، با خیال راحت مطمئن باشند و به کشور خود برگردند. حال برخی می‌خواهند اقدام خود را ببینند، خیلی از افراد می‌خواهند به زیارت بروند و سال‌ها از روی این ارادارند که به زیارت امام ضاربوند. برای همه این افراد شرایط فراهم است و می‌توانند به کشور برگردند.

□□□

دو جایزه برای «آبان» از جشنواره اسپانیایی



به گزارش روابط عمومی پلنفرم شنیداً، هیأت داوران، کمیته انتخاب و مدیریت جشنواره، به پاس شایستگی‌های هنری، کیفیت ساخت و اهمیت ارزش‌های محتوایی، این جوایز را به سرپال «آبان» و کارگردان آن اهدا کرد.

سرپال «آبان» با بازی هنرمندانی چون شهاب حسینی، لاله مرزبان، امین حیایی، میرسعید مولویان، مینا ساداتی، رضا اخلاقی‌راد، بهار کیان‌افشار، حمید ابراهیمی و بهزاد خلج اولین محصول اختصاصی پلنفرم شنیداً است که پیش از این در داخل کشور، با استقبال مخاطبان روبرو شد.

«شغال» با ترکیبی از نواهای الکترونیک کم‌تنش و ضرباهای ضعیف طبل هرگز سعی نمی‌کند مخاطب را به‌سرعّت به هیجان بکشاند، بلکه بیشتر شبیه به «فلسی آهسته در تاریکی» عمل می‌کند. گاهی متوقف می‌شود، گاهی تنها یک نت تکرار شونده را حفظ می‌کند، و در لحظات بحران، ناگهان سکوت می‌کند- تا صدای یک درب باز شونده بانفس سنگین، جایگزین موسیقی شود. این رویکرد، حس بی‌اطمینانی مداوم را در مخاطب تقویت می‌کند؛ حسی که با دنیای داستان سرپال کاملاً هم‌خوانی دارد.

چرا مردم باز هم می‌بینند؟

پاسخ به این سؤال، نیازمند نگاهی فراتر از سینما و به سوی جامعه است. در شرایطی که فضای عمومی از اضطراب و نااطمینانی پر خوردار است، مخاطب تمایل دارد به دنیایی روی آورد که قواعدش روشن باشد: یک شروع مشخص، یک قهرمان نیمه‌تیر اما با انگیزه درست، و یک عدالت که حتی اگر با راه‌های غیرقانونی در پایان برقرار شود.

«شغال» از همان قسمت آغازین، با ریتمی سریع و وارد کردن چندین خط داستانی از تجاوز تا بزه‌کار، فساد اداری تا عاشقی ممنوع تلاش می‌کند تا مخاطب را در گیر کند. این رویکرد از نظر فنی، «سرمایه‌گذاری بر هیجان» است. سازندگان به‌خوبی می‌دانند که مخاطب امروز، بیش از پیش، در جستجوی داستانی است که نیازی به توضیح طولانی نداشته باشد و از دقیقه‌های نخست، سؤالی در ذهن او بگذارد: چه کسی شغال است؟

اما همین رویکرد، نقطه ضعف سرپال از دید بسیاری از منتقدان بوده است. آن‌ها معتقدند که ریتم سریع، به‌جای آنکه ابزاری برای انتقال مفاهیم باشد، گاهی به‌عنوان پرده‌ای بر ضعف درون‌مایه و سطحی‌بودن شخصیت‌ها عمل می‌کند. شخصیت‌های اصلی چندان فرصتی برای رشد درونی ندارند؛ بیشتر در قالب نقش‌های آماده قربانی، بی‌دست و پامجر می‌یا گذشت‌های دردناک، زنی که در میان دو فضای طبقاتی گیر کرده به تصویر کشیده می‌شوند، این کلیشه‌ها، هرچند برای بخشی از مخاطبان آشنا و قابل فهم هستند، اما از دید کسانی که به دنبال نوآوری هنری هستند، شایسته تقدیر نیستند.

بازیگران نجات‌دهندگان روایت

در میان نقاط قوت «شغال»، هیچ چیز به اندازه حضور

بازیگران با تجربه، تأثیر گذار نبوده است. مهدی سلطانی با بازی مردی که همزمان هم قربانی است و هم متهم، توانسته حس ابهام اخلاقی را به‌خوبی منتقل کند. او در بسیاری از صحنه‌ها بدون استفاده از دیالوگ بر طمطراق، تنها با نگاه و حرکات بدن، لایه‌های درونی شخصیتش را آشکار کند- نکته‌ای که بسیاری از منتقدان هم به آن اشاره داشته‌اند. ششمن مقدمی نیز در نقش زنی که میان وفاداری به خانواده و جستجوی حقیقت گیر کرده، عملکردی متعادل و باورپذیر دارد. حتی کامبیز دبیراز، که در سال‌های اخیر بیشتر در نقش‌هایی با بار منفی دیده می‌شود، این بار با ظرافتی غیرمنتظره، شخصیتی قابل اعتماد- بلکه یک محصول طبیعی از سیستمی فساداست.

موسیقی وفضاسازی صدا،

داستان دیگری را روایت می‌کند

نکته‌ای که در نقد اغلب منتقدان نادیده گرفته شده، حضور هوشمندانه موسیقی و طراحی صداست موسیقی

گزارش تئاتر

درباره نمایش «راپورت» مهران اشگی

حدومرزه‌های آزارگری و تجاوزگری



محمدحسن خدایی

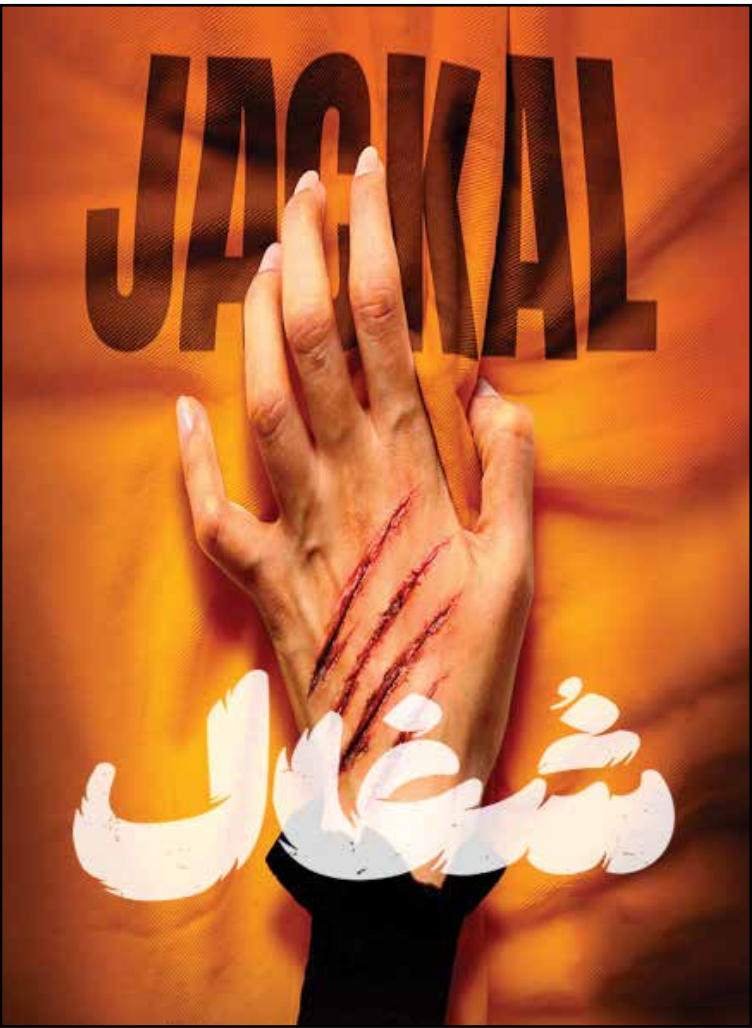
نمایش «راپورت» را می‌توان محصول فهم نسل نوی تئاتر ایران از مفاهیمی چون خاطره، ترمز و روایتگری دانست. مواجهه با واقعیت اجتماعی؛ له یا علیه بازنمایی کردن این واقعیت مخاطره‌برانگیز، از نکاتی است که جوانان این گروه اجرایی با آن دست‌به‌گریبان بوده‌تلاش دارند از طریق فرم گولاژگونه، نسبت خود را با آن از نو صورتبندی کنند. به هر حال و بنابر مطالعات مبتنی بر تحلیل گفت‌مان، هر گفت‌فاری در یک زمینه تاریخی و اجتماعی شکل می‌یابد و معنادار می‌شود. در نمایش «راپورت» هم تروماهای گذشته، به مینایی اجراگرانی که تجربه زیستی‌شان در اینجا و اکنون ما شکل یافته، بر صحنه رویت‌پذیر می‌شود. به دیگر سخن، زبان اجرایی این نمایش، تمناي «بیان کردن امر بیان‌ناپذیر»، اادار در این مسیر، دستاوردهایی بر چند کودک به لحاظ اجرایی و انسانی دارد و حاصل کارش ارزش افزوده‌ای قابل اعتناست. بدین منظور، اجرا از همان ابتدا با زستی سیاسی و زبانی تئوریک، ایده‌های اجرایی‌اش را در رابطه با تئاتر مستند و مسئله‌ای تحت عنوان «آرشیو» اسناد و نوع استفاده از آن در یک اجرای جمع و جور دانشجویی مطرح می‌کند. قرائت مانیفستی که به تئاتر مستند می‌پردازد، جایگاه این اجرای تجربی را در کلیت تئاتر این روزهای ما تا حدودی مشخص می‌کند. توگویی با یک «جستار-اجرا» و روبرو هستیم که میل دارد در باب تئاتر و اجتماع ملتهب این روزها، به واسطه چند روایت شخصی، تاملات خود را

به گزارش روابط عمومی پلنفرم شنیداً، هیأت داوران، کمیته انتخاب و مدیریت جشنواره، به پاس شایستگی‌های هنری، کیفیت ساخت و اهمیت ارزش‌های محتوایی، این جوایز را به سرپال «آبان» و کارگردان آن اهدا کرد.

سرپال «آبان» با بازی هنرمندانی چون شهاب حسینی، لاله مرزبان، امین حیایی، میرسعید مولویان، مینا ساداتی، رضا اخلاقی‌راد، بهار کیان‌افشار، حمید ابراهیمی و بهزاد خلج اولین محصول اختصاصی پلنفرم شنیداً است که پیش از این در داخل کشور، با استقبال مخاطبان روبرو شد.

تحلیل پدیده «شغال» در فضای نمایش خانگی؛

چرا سریالی که منتقدان نمی‌پسندند، در میان مردم محبوب می‌شود؟



بر پیچیدگی منطقی تکیه می‌کند. این جایگاه، هرچند از نظر هنری ممکن است مورد تردید قرار گیرد، اما از نظر تاریخ مخاطب‌شناسی، بسیار قابل تأمل است. چرا؟ چون نشان می‌دهد که مخاطب ایرانی، دیگر، تنها به سراغ معمای پلیسی نمی‌رود؛ بلکه به دنبال معمایی است که موهایش، ریشه در تنش‌های اجتماعی و اخلاقی واقعی داشته باشند حتی اگر پاسخ‌هایش ساده باشند.

در میان دو گرسی: نقدو مخاطب

در نهایت، «شغال» نمونه‌ای شفاف از تنش ذاتی رسانه‌های جمعی است: میان نیاز به هنر ماندگار و نیاز به سرگرمی پربازدید. این سرپال، از نظر مخاطب، موفق بوده؛ چون او را در گیر کرده، او را اادار به صحبت کردن کرده‌و حتی، در برخی لحظات، او را به تفکر در باره مسائل مانند عدالت و فساد داشته است. اما از نظر منتقد، شاید موفقیت آمیز نباشد؛ چون نوآوری قابل تأملی در ساختار یا زبان روایی ارائه نکرده‌است.

این تنش لزوماً بد نیست. رسانه، مثل هر صنعت دیگری، به محصولاتی از طیف گسترده نیاز دارد: از اثری که فقط سرگرم می‌کند، تا اثری که تاریخ می‌سازد. «شغال» در گروه نخست‌های می‌گیرد و همین جایگاه،

ارزش خود را دارد. سؤال اصلی این نیست که چرا منتقدان آن را نمی‌پسندند، بلکه این است که چرا مردم آن را می‌بینند. و پاسخ، در ریتم زندگی امروزی، در سلیقه فرهنگی مخاطب و در فضای رسانه‌ای کنونی نهفته است. «شغال» شاید نامزد جایزه هنری نشود اما قطعاً در تاریخ مخاطب‌پژوهی تلویزیون ایران، نامی برای ثبت دارد.

در برابر بی‌عدالتی، صدایشان را بلند می‌کنند حتی اگر تنها به آنگاه باشند.

ساختار قسمت‌ها: الگوی هفتگی یک موفقیت برنامهریزی شده

یکی از نکات قابل توجه در «شغال»، توزیع هوشمندانه اطلاعات در طول قسمت‌هاست. هر قسمت معمولاً با یک رخداد کلیدی پایان می‌یابد؛ گاهی یک افشای‌گری، گاهی یک حمله خشونت‌آمیز، گاهی یک تصمیم غیرمنتظره به گونه‌ای که مخاطب را اادار به دیدن قسمت بعدی می‌کند. اما از سوی دیگر، اجازه نمی‌دهد داستان به‌سرعّت به سمت پایان قابل حدس پیش برود. این تعادل ظریف نشان از کار تیم فیلمنامه‌نویسی دارد که با وجود نقد منتقدان به کلیشه‌گرایی، توانسته در سطح فنی ساخت قسمت‌ها عملکردی قابل قبول ارائه دهد.

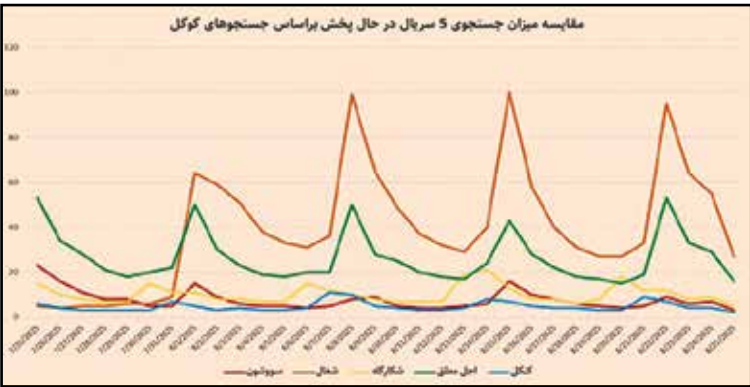
نقش فناوری: وقتی الگورitm، تقدرا ساحت می‌کند

داده‌های گوگل ترندها نشان می‌دهد که جستجو برای «شغال» هر هفته با انتشار قسمت جدید، به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد. این الگوی منظم، نشان از برنامه‌ریزی دقیق تیم تولید و توزیع دارد. پخش از طریق پلنفرم‌هایی مانند فیلمپو، که دسترسی رایگان یا کم‌هزینه‌ای به مخاطب می‌دهد، و همراهی آن با تبلیغات هوشمند در شبکه‌های اجتماعی باعث شده این سریال حتی برای کسانی که معمولاً سریال نمی‌بینند، جذاب باشد.

اما نکته مهم‌تر، گفت‌وگوهایی است که اطراف سریال شکل گرفته‌است. در فضای مجازی، بحث‌ها عمده تا حول محور «چه کسی شغال است؟» یا «آیا شخصیت فلائی دروغ می‌گوید؟» بوده‌نه تحلیل سبک کارگردانی یا نقد دیالوگ‌ها. این نوع تعامل، ارزش نمادین سریال را افزایش می‌دهد؛ وقتی یک اثر به‌بخشی از گفت‌وگوهای روزمره تبدیل شود، دیگر فقط یک سریال نیست؛ بلکه به یک پدیده فرهنگی تبدیل می‌شود هرچند موفق.

ریسک فضای نمایش خانگی: وقتی موفقیت، چک می‌شود یا ببیننده

فضای نمایش خانگی در سال‌های اخیر، هم فرصتی برای تنوع تولید بوده و هم ریسکی برای کیفیت. در آنجا که تلویزیون سنتی هنوز با محدودیت‌های سختگیرانه‌ای روبرو است، فضای دیجیتال اجازه می‌دهد سریالی مثل «شغال» با موضوعاتی مانند خشونت جنسی یا فساد ساختاری پرداخته شود. اما همین فضای باز، فشار زیادی بر تولیدکنندگان وارد می‌کند؛ اگر مخاطب بدو قسمت اول جذب نشود، دیگر بر نمی‌گردد. این فشار، سازندگان را وادار می‌کند به جای صبر برای ساخت دنبایی عمیق، به سراغ هیجان فوری و پرزندهمان راهکاری که «شغال»



بقیه مثل فیلم کارگردان سوئدی و یادر دوران کودکی و به شکل تعرض جنسی. نمایش «راپورت» به این قضیه پرداخته و تاب‌آوری کسی که مورد تجاوز قرار گرفته، آشکار می‌کند. به راستی فرد آزار دیده چگونه رنج خود را بیان خواهد کرد و دچار تلاطمات روحی شدید نخواهد شد.

اما نکته اینجاست که سیاست اجرایی کارگردان تمایل ندارد به تمامی در این پرداختن به مسئله تجاوز باقی بماند و در میانه کار، مشاهده می‌شود که قسمتی از نمایش «هملت» شکسپیر با فرمی خلاقانه، اجرا شده و ارجاع به یکی از مهم‌ترین متون دراماتیک تاریخ جهان مدنظر قرار می‌گیرد. یک منبع نوری که بنابر ضرورت

صحنه، رنگ‌هایش تغییر کرده و رابطه شخصیت‌ها را متعین می‌کند در این قسمت به چشم می‌آید و حال و هوای اجرا را می‌سازد. به نظر می‌آید این صحنه مربوط باشد به مواجهه ناہنگام با روح پدر هملت و فضای کابوس‌وری که از دل این فضای غریب‌آشنا حاصل می‌شود. تغییر رنگ منبع نوری به همراه بهت و وحشتی که بدن اجراگران را فرامی‌گیرد، به این فضای نامتعارف شدت می‌بخشد و فرم اجرا و استفاده از نور متعارف، نوعی تجاوز به چشمان مخاطب محسوب می‌شود. در این صحنه، اجرا از خصلت پژوهشی و آزمایشگاهی فاصله گرفته و بر اساس منطق بازنمایی متن هملت به پیش می‌رود. این گسست با آن که به لحاظ اجرایی، تداوم حسی اجرا را دچار وقفه کرده و بر لحن اجرا تأثیر می‌گذارد اما در نهایت، از دقایق تماشایی اجرا است. حتی اگر بتوان این نقد را به این صحنه وارد دانست که می‌توان حذفش کرد و خصلت مستند گونه ابتدایی را ادامه داد.

در پایان، اجرا خصلت تعاملی‌اش با مخاطبان را بیش از پیش عیان کرده و شرط ادامه یافتن خویش را به حضور یکی از تماشاگران بر روی صحنه منوط می‌کند. اگر این اتفاق بیفتد و یکی از تماشاگران با بار روی صحنه گذاشته و یکی از اجراگران شود، مرحله تازه‌ای از اجرا آغاز می‌شود که بستگی بسیاری به کیفیت حضور این تماشاگر دارد. او بر روی صندلی مقابل یکی از اجراگران می‌نشیند و قسمتی از متنی را می‌خواند که می‌بایست در پاسخ پرسش‌های مطرح شده قرائت کند. اینجا است که اجرا می‌تواند دچار چالش شود اگر تماشاگری که به روند اجرا اضافه شده تصمیم